



# Economic Convergence in the Persian Gulf Region: Feasibility and Requirements

**Hemmat Imani**

PhD Student in International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.  
Email: Hemmat.Imani@gmail.com

## Abstract

This study focuses on the feasibility of economic convergence in the Persian Gulf region (including Iran, Saudi Arabia, Iraq, Qatar, the United Arab Emirates, Oman, Kuwait, and Bahrain) and the requirements for achieving it. Economic convergence is considered a process aimed at attaining peace, security, and sustainable development in the region. Accordingly, the central question of this research is: How can Persian Gulf countries achieve economic convergence to promote peace, security, and sustainable development? The study hypothesizes that, to achieve these goals, countries in the region must leverage a combination of economic, political, security, and socio-cultural-religious capacities, while overcoming divergent factors, and adopt behavioral and policy measures that integrate economic convergence into national decision-making and foreign policy. The research employs a mixed-methods approach, combining qualitative document-based analysis with quantitative and statistical methods. Ultimately, the study proposes a comprehensive network model for achieving peace, security, and sustainable development through economic convergence in the Persian Gulf. This model rejects hierarchical prioritization of indicators and emphasizes the simultaneous utilization of multiple economic, political, security, and socio-cultural-religious components to achieve economic convergence.

**Keywords:** Challenges, Capacities, Requirements, Economic Convergence, Network Model, Development.

## امکان سنجی هم گرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس در آینده پیش رو و الزامات تحقق آن

همت ایمانی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: Hemmat.Imani@gmail.com

### چکیده

تمرکز این پژوهش بر امکان سنجی هم گرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس (شامل ایران، عربستان سعودی، عراق، قطر، امارات متحده عربی، عمان، کویت و بحرین) و الزامات دستیابی به آن است. در این پژوهش هم گرایی اقتصادی به عنوان فرایندی مدنظر است که هدف آن دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار در منطقه است. بر این اساس، سؤالی که در این پژوهش مطرح می شود آن است که با هدف دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار، کشورهای حوزه خلیج فارس چگونه می توانند به هم گرایی اقتصادی در منطقه دست یابند؟ در پاسخ این سؤال، فرضیه پژوهش این است که کشورهای منطقه خلیج فارس در راستای دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار، ضمن تکیه بر ترکیبی از ظرفیت های گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دینی- فرهنگی باید الزامات رفتاری رسیدن به هم گرایی اقتصادی را در تصمیم گیری های کلان ملی و همچنین رویکرد سیاست خارجی خود، در پیش بگیرند. روش تحقیق این پژوهش برحسب نیاز، ترکیبی از روش کیفی مبتنی بر اسناد کتابخانه ای و روش کمی و آماری است. در نهایت این پژوهش مدل جامع شبکه ای برای دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار، از طریق هم گرایی اقتصادی در خلیج فارس ارائه می دهد که در آن ضمن رد نگاه سلسله مراتبی در اولویت بندی شاخص ها، بهره برداری هم زمان از مؤلفه های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دینی- فرهنگی در دستیابی به هم گرایی اقتصادی را پیشنهاد می کند.

**کلیدواژه ها:** چالش ها، ظرفیت ها، الزامات، هم گرایی اقتصادی، مدل شبکه ای، توسعه.

پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه راهبردهای دیپلماتی در سازمان های بین المللی

<http://sazmanbeynolmelal.csr.ir> / E-ISSN: 2588-6665



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه پژوهشکده تحقیقات راهبردی و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست.

## مقدمه

در دنیای کنونی، در پرتو جهانی شدن و با ظهور اقتصاد سیاسی جهانی، نقش متغیرهای اقتصادی در معادلات سیاسی و تحولات منطقه‌ای و جهانی، به شدت پررنگ شده است. متغیرهای اقتصادی در کنار نقش مردم در حکمرانی، از مؤلفه‌های بسیار اساسی در رسیدن به امنیت و توسعه پایدار در عصر جهانی شدن است. در شرایطی که امروزه در بسیاری از نقاط جهان تحت تأثیر تحولات جهانی شدن اقتصاد هستند؛ کشورها به سمت تقویت نقش بخش خصوصی در اقتصاد و توجه هرچه بیشتر به نقش مردم در حکمرانی و هم‌گرایی منطقه‌ای و جهانی حرکت می‌کنند. منطقه خاورمیانه و خلیج فارس همچنان درگیر جنگ، خون‌ریزی، تروریسم و ناامنی ناشی از رادیکالیسم اسلامی، تعصبات مذهبی و فرقه‌ای و فقدان تساهل دینی-مذهبی است. در این پژوهش هدف نگارنده ارائه راهکاری جامع برای کاهش عوامل ناامنی در خلیج فارس و بهبود تدریجی روابط کشورهای منطقه (شامل کشورهای ایران، عربستان سعودی، عراق، عمان، قطر، امارات متحده عربی، کویت و بحرین) در جهت دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی است. بر این اساس، سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌شود بدین نحو خواهد بود که باهدف دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار، کشورهای حوزه خلیج فارس چگونه می‌توانند به هم‌گرایی اقتصادی در منطقه دست یابند؟ در پاسخ این سؤال، ادعای مقاله این است که، کشورهای منطقه خلیج فارس در راستای دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار، ضمن تکیه بر ترکیبی از ظرفیت‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی، و دینی-فرهنگی و غلبه بر عوامل واگرایان، باید الزامات رفتاری رسیدن به هم‌گرایی اقتصادی را در تصمیم‌گیری‌های کلان ملی و همچنین رویکرد سیاست خارجی خود در پیش بگیرند. روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی مبتنی بر اسناد کتابخانه‌ای است؛ البته برحسب نیاز این پژوهش از روش کمی و آماری نیز بهره گرفته شده است. در این مقاله نگارنده سعی بر آن دارد تا از زاویه‌های مختلف به مسئله هم‌گرایی در خلیج فارس بپردازد و با استفاده از متغیرهای گوناگون، به دنبال ارائه راه‌حلی جامع جهت برقراری صلح، امنیت و توسعه پایدار در این منطقه باشد. درخصوص ادبیات پژوهش باید گفت که دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی در خاورمیانه و خلیج فارس موضوعی است که دغدغه بسیاری از محققان روابط بین‌الملل بوده است. برخی از آثار علمی موجود در این زمینه به زبان فارسی عبارت است از: جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس، نوشته رضا اکبریان و محسن شکری (فصل‌نامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، ۱۳۹۵)، عوامل تأثیرگذار



داخلی در خلیج‌فارس محمدعلی امامی (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۸۵)، عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج‌فارس، نوشته محمدعلی امامی (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۸۹)، موانع هم‌گرایی در شورای همکاری خلیج‌فارس از منظر ژئوپلیتیک، نوشته محمدجعفر جوادی ارجمند و حسن احمدی (فصل‌نامه سیاست خارجی ۱۳۹۱)، فرصت‌ها و چالش‌های هم‌گرایی منطقه‌ای در خلیج‌فارس، نوشته بهادر زارعی (پژوهش‌های جغرافیای انسانی ۱۳۹۳) و مؤلفه‌ها و موانع هم‌گرایی در منطقه خلیج‌فارس، نوشته قدیر نصیری مشکینی (مطالعات خاورمیانه ۱۳۷۷). با مرور ادبیات پژوهش در این زمینه، می‌توان به این مسئله پی برد که عمده پژوهش‌ها به‌خصوص در زبان فارسی یا به توصیف وضعیت منطقه پرداخته‌اند یا این‌که در بحث هم‌گرایی منطقه‌ای به چرایی و علل عدم موفقیت کشورهای منطقه در رسیدن به هم‌گرایی اشاره کرده‌اند. تمرکز این پژوهش بر امکان‌سنجی هم‌گرایی اقتصادی در منطقه خلیج‌فارس (شامل ایران، عربستان سعودی، عراق، قطر، امارات متحده عربی، عمان، کویت و بحرین) و الزامات دستیابی به آن است. از همین‌رو، نگارنده قصد دارد ضمن توجه به ادبیاتی که در این زمینه تولید شده و همچنین موانع و فرصت‌های هم‌گرایی، به چگونگی دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی در این منطقه بپردازد. از دید نگارنده، دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی در خلیج‌فارس صرفاً دلایل اقتصادی ندارد و این پژوهش سعی بر آن دارد که متغیرهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی، دینی-فرهنگی و غیره را در دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی در منطقه مدنظر قرار دهد؛ از این‌رو، در سه بخش چالش‌ها، ظرفیت‌ها و الزامات به امکان‌سنجی دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی در حوزه خلیج‌فارس پرداخته می‌شود.

### ۱. پیشینه هم‌گرایی در حوزه خلیج‌فارس

در گذشته دور و نزدیک منطقه خلیج‌فارس، شواهدی از جنگ‌های بزرگ منطقه‌ای (غیر از حمله عراق به ایران و کویت) وجود ندارد؛ ریشه‌های اصلی این دو جنگ را هم باید در شخصیتِ صدام حسین و همچنین دخالتِ آمریکا در منطقه دانست؛ نه تعارضات جدی میان کشورهای منطقه. از طرف دیگر، می‌توان به موارد زیادی از همکاری‌های اقتصادی (از جمله تجارت مروارید، صید و تجارت ماهی، همکاری‌های دریایی و غیره) در طول تاریخ این منطقه اشاره کرد. قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، روابط ایران با کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس سازنده و مثبت بود. در این دوره آمریکا از هر دو کشور ایران و عربستان در مسائل منطقه‌ای حمایت می‌کرد و در سایه چتر حمایتی آمریکا، هر دو کشور به دنبال تأمین امنیت حوزه خلیج‌فارس بودند

و مسائلی مانند ملی گرایی جمال عبدالناصر، مداخلات شوروی در منطقه و حزب بعث در عراق را تهدیدات مشترکی علیه امنیت ملی خود می دانستند. اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، علاوه بر این که کشورهای عربی منطقه به دلیل شعارهای انقلابی مقامات ایران و مسئله صدور انقلاب، نگران گسترش این انقلاب به کشورشان شدند؛ آمریکا نیز متحد اصلی منطقه ای خود را از دست داد. متأثر از این مسئله، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با پشتیبانی آمریکا به این فکر افتادند که شورای همکاری خلیج فارس را باهدف دفاع از امنیت ملی خودشان تشکیل دهند. هدف از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، بیشتر انگیزه های سیاسی و امنیتی بود؛ اما به تدریج این شورا در حوزه همکاری های امنیتی توفیق چندانی به دست نیاورد.

«آمریکا خود به بی نتیجه بودن تلاش هایش برای ارتقای کمی و کیفی شورا به یک مجموعه نظامی - سیاسی دارای وزن و اهمیت در منطقه واقف بود و آن را بیشتر به چشم بازار فروش اسلحه و تأمین نفت خود می نگریست» (امامی، ۱۳۸۹: ۲۲۴). امروزه بعد از سال ها فعالیت شورای همکاری خلیج فارس، باید گفت که این شورا به دلیل برخی مسائل از جمله اختلافات تاریخی اعضا، عدم انسجام در توسعه نظامی و نگرانی برخی از اعضا در مورد هژمونی عربستان، در عرصه هم گرایی سیاسی - امنیتی چندان موفق نبوده اند (Martini & Wasser, 2016, p. 6)؛ اما شورا در زمینه های اقتصادی و تجاری موفقیت های محدودی داشته است. یکی از موانع اصلی در عدم موفقیت این شورا، نگرانی کشورهای کوچک خلیج فارس از سیاست های توسعه طلبانه عربستان سعودی در منطقه است. مانع دیگر را نیز می توان به طور کلی «سامانه اقتصادی ناسیونالیستی و دولت محور کشورهای عربی منطقه» دانست (GROW, 2019, p. 4). از دید این پژوهش مشکل اصلی عدم موفقیت شورای همکاری خلیج فارس در یک سو به بودن آن است. این شورا از آنجایی که دربرگیرنده دو کشور مهم و تأثیرگذار دیگر این منطقه (ایران و عراق) نیست؛ نمی تواند به سرانجامی مطلوب دست یابد؛ چراکه در وضعیت فعلی سیاست این شورا عملاً با منافع دو کشور دیگر منطقه به خصوص ایران، در تعارض است. بنابراین شورا نمی تواند به راه حلی جامع برای مسائل منطقه ای در خلیج فارس دست یابد. تنها راه دستیابی به یک شورای همکاری مطلوب در خلیج فارس، ایجاد یک نهادی با عضویت کامل همه هشت کشور منطقه و توجه به منافع همه آنها است. در راستای ایجاد چنین نهادی، در این پژوهش به تجزیه و تحلیل چالش ها، فرصت ها و الزامات هم گرایی اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس می پردازیم.



## ۲. چالش‌ها و موانع همگرایی اقتصادی در خلیج فارس

همگرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس و برقراری ثبات و امنیت در این منطقه با چالش‌ها و موانع جدی مواجه است که بدون مدیریت و حل‌وفصل آن‌ها همگرایی اقتصادی در این منطقه همچنان دور از انتظار خواهد بود. موانع همگرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس لزوماً متغیرهای اقتصادی نیستند؛ بلکه از عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ایدئولوژیکی ناشی می‌شود. در این بخش به برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌پردازیم.

### ۲-۱. وجود نظام‌های سیاسی و ایدئولوژیکی متعارض و منازعات فرقه‌ای

یکی از چالش‌های جدی که پیش روی دغدغه‌های همگرایان در منطقه خلیج فارس وجود دارد؛ نظام‌های سیاسی متعارض است. ساختار سیاسی در بین هشت کشور حوزه خلیج فارس ناهمگون است. شش کشور از هشت کشور این منطقه (عربستان سعودی، عمان، قطر، امارات متحده عربی، کویت و بحرین) تحت حاکمیت پادشاهی‌های محافظه‌کار هستند که در عین اشتراک در سامانه حکومتی پادشاهی، دارای اختلافات جدی در ریشه‌ها و منابع مشروعیت این پادشاهی‌ها هستند. برای مثال پایه‌های حاکمیت در عربستان سعودی به آل سعود و اندیشه‌های وهابی وابسته است؛ درحالی که پایگاه پادشاهی قطر به اندیشه‌های اخوانی نزدیک است. «همچنین اختلافات عقیدتی، نظیر اختلافات ایدئولوژیک میان عربستان که متأثر از «وهابیت» است و مقامات عمان که دارای گرایش‌های «اباضیه» اند؛ بر دامنه تنش‌ها در منطقه می‌افزایند» (جوادی ارجمند و احمدی، ۱۳۹۱: ۸۷۰-۸۶۹).

در کل، این شش کشور دارای حاکمیت پادشاهی محافظه‌کار، با وجود اشتراک ظاهری، در ریشه‌ها و منابع مشروعیتشان، سامانه حکومت‌داری و فرایند تصمیم‌گیری دارای اختلافات جدی هستند. در همه این کشورها برخی از گروه‌های جامعه مانند طبقه متوسط تحصیل کرده و برخی از گروه‌های مذهبی و فرقه‌ای، مشروعیت پادشاهی‌ها را به چالش می‌کشند. از بین این شش پادشاهی منطقه، حکومت کویت تا حدودی نیمه دموکراتیک است و پارلمان قوی‌تری نسبت به بقیه دارد. از طرفی دیگر جمهوری اسلامی ایران تحت حاکمیت ولایت‌فقیه متکی بر مذهب شیعه هم اختلاف ساختاری و هم اختلاف ایدئولوژیکی و مذهبی با پادشاهی‌های محافظه‌کار منطقه دارد. همچنین استقرار حکومت فدرال در عراق، بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ نیز بر تضادهای بین حاکمیت‌های سیاسی این منطقه افزوده است. هنوز دموکراسی نوپای

عراق درگیر تنش‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای است. نکته دیگر وجود منازعات مذهبی و فرقه‌ای در این منطقه است. اکثریت جمعیت شیعه منطقه در ایران، عراق و بحرین ساکن هستند. این سه کشور دارای اقلیتی از اهل تسنن نیز هستند که جمعیت قابل‌توجهی دارند. از طرف دیگر پنج کشور منطقه (عربستان سعودی، عمان، قطر، امارات متحده عربی و کویت) با اکثریت جمعیت سنی مذهب هستند و مذهب شیعه در برخی از این کشورها مثل عربستان به‌عنوان اقلیت وجود دارند. با توجه به این وضعیت، یکی از چالش‌های هم‌گرایی در خلیج فارس منازعات مذهبی و فرقه‌ای است. این‌گونه منازعات بعد از سال ۲۰۰۳ با سقوط صدام و رهایی مردم شیعه عراق از حکومت او، در منطقه افزایش یافت. در چنین وضعیتی رهبری سنی توسط عربستان سعودی و رهبری شیعه توسط جمهوری اسلامی ایران، موجب شکاف عمیق‌تر و بحران جدی در منطقه شده است؛ بحرانی که در محیط‌هایی مانند عراق، لبنان، سوریه، یمن و بحرین گسترش یافته و دو کشور ایران و عربستان را درگیر کرده است.

## ۲-۲. ضعف جامعه مدنی و مشروعیت حکومت‌ها

ضعف جامعه مدنی و مشکل مشروعیت نظام‌های سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس از مهم‌ترین چالش‌های هم‌گرایی اقتصادی در منطقه است. این کشورها به‌خصوص حکومت‌های پادشاهی منطقه، از آنجایی که با فقدان پایگاه گسترده مردمی مواجه هستند؛ به‌ناچار به حمایت و پشتیبانی قدرت‌های خارجی متوسل می‌شوند؛ و همین مسئله زمینه نفوذ قدرت‌های خارجی را در منطقه فراهم می‌کند. در این کشورها، بحران مشروعیت، مشارکت و شکاف طبقاتی بسیار جدی است و نهادهای سیاسی و مدنی عمده‌تأ نقش‌نمایی دارند. در شش کشور عربستان سعودی، عمان، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و کویت، حاکمیت نتوانسته مطالبات جمعیت شیعه خود را پاسخ دهد. در کشوری مثل بحرین وضعیت حادث‌تر هم هست؛ چراکه اکثریت شیعه تحت حاکمیت اقلیت سنی قرار دارد و هیچ تناسبی بین مردم و حاکمیت وجود ندارد. در ایران نیز اقلیت سنی در استان‌های مانند سیستان و بلوچستان و کردستان و برخی مناطق دیگر، مطالباتی در زمینه فرهنگی و مذهبی دارند که از طرف حاکمیت هنوز برآورده نشده است. در کشور عراق هم بعد از سقوط صدام و برقراری سامانه فدرالیسم در این کشور، سهم مذهب و قومیت‌ها در ساختار سیاسی این کشور در نظر گرفته شده است؛ ولی باید گفت که این مسئله هنوز بیشتر در حد قانون مطرح شده است؛ تا این که در قواعد بازی سیاسی این کشور نهادینه شده باشد. عراق هنوز در حال تمرین



دموکراسی است (جدول ۱). در کل باید گفت که ساختار اجتماعی و سیاسی در همه هشت کشور حوزه خلیج‌فارس، کم‌وبیش بی‌ثبات است. «حاکمیت خاندان آل سعود در عربستان سعودی، آل ثانی در قطر، آل خلیفه در بحرین، آل صباح در کویت، آل نهیان و آل مکتوم در امارات متحده عربی و آل بوسعید در عمان، حاکی از تداوم رژیم‌های مبتنی بر مشروعیت سنتی و قبیله‌ای در این کشورها است» (افراسیاب‌پور، ۱۳۹۳: ۲۰۵). رژیم‌هایی که در حال حاضر با بحران‌های جدی از طرف نیروهای اجتماعی به‌خصوص طبقه متوسط، روشنفکران و نسل جوان تحصیل‌کرده مواجه هستند. «در این کشورها طرح مباحثی چون دفاع از حقوق بشر، دموکراسی و نظام چندحزبی و برقراری رژیم‌های مشروطه سلطنتی، رعایت حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان و افکار و تساهل مذهبی به‌طور روزافزونی، شدت یافته است» (امامی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). مسائل مربوط به خانواده‌های سلطنتی و بحران‌های جانشینی هنوز هم از مشکلات جدی در این کشورهای محسوب می‌شود. باید گفت «مشخصه بارز منطقه، ناهم‌سویی شدید ملت (هویت) و دولت سرزمینی (حاکمیت) است. این مسئله سیاست‌گذاری خارجی را پیچیده‌تر می‌کند» (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۶۸).

جدول ۱. درصد جمعیت شیعه و مهاجر در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس

|              | Population total<br>(mln) 2011 <sup>1</sup> | Shia as % of total<br>population 2009 <sup>2</sup> | Migrants as % of total<br>population 2010 <sup>3</sup> |
|--------------|---------------------------------------------|----------------------------------------------------|--------------------------------------------------------|
| Bahrain      | 1 324                                       | 65-75                                              | 25                                                     |
| Iran         | 74 799                                      | 90-95                                              | 2.9                                                    |
| Iraq         | 32 962                                      | 65-70                                              | 0.3                                                    |
| Kuwait       | 2 818                                       | 20-25                                              | 76.7                                                   |
| Oman         | 2 846                                       | 5-10                                               | 29.7                                                   |
| Qatar        | 1 870                                       | ~10                                                | 74.2                                                   |
| Saudi Arabia | 28 083                                      | 10-15                                              | 26.5                                                   |
| UAE          | 7 891                                       | ~10                                                | 43.8                                                   |

(Boj arczyk, ۲۰۱۳, p. ۷۴)

از طرفی دیگر باید گفت که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، به صادرات مواد خام به‌خصوص نفت و گاز وابستگی زیادی دارند و این مسئله موجب تقویت دولت رانتیر در این کشورها شده است؛ دولت‌هایی که بی‌نیاز از نقش مردم در حکمرانی، با درآمد حاصل از نفت استقلال بیشتری از جامعه دارند. دولت رانتیر در این کشورها باعث شده تا نیروهای اجتماعی و تشکل‌های مدنی به‌تدریج سرکوب و از صحنه سیاست حذف شوند. امنیتی که در این کشورها برقرار شده محصول توافق مردم با حکومت نیست؛ بلکه امنیتی است که محصول سرکوب حکومت، تزریق منابع رانتی به برخی از گروه‌های حامی خود و درواقع آرامش قبل از طوفان است. باید گفت تا زمانی که جامعه مدنی در این کشورها با حمایت قوانین حکومتی تقویت نشود و مشارکت مردمی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی گسترده شکل

نگیرد؛ نمی توان به صلح در داخل این کشورها امید بست. تا زمانی هم که صلح در داخل این کشورها نهادینه نشود؛ امکان صلح در روابط بین این کشورها و هم گرایی بین آنها مقدور نخواهد بود.

### ۳-۲. اختلاف بر سر بحران های منطقه ای و تعریف متفاوت از تروریسم

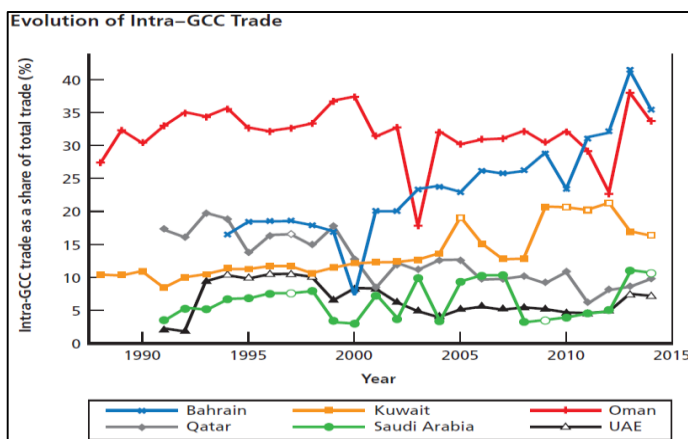
یکی دیگر از چالش های اساسی بر سر راه هم گرایی میان دولت های منطقه خلیج فارس، اختلاف بر سر بحران های منطقه ای و برداشت متفاوت آنها از تروریسم است. این برداشت های متفاوت، بیشتر متأثر از دغدغه های فرقه ای، مذهبی و ملی و همین طور شخصیت تصمیم گیران این کشورها است تا واقعیت های منطقه ای. در نتیجه درک متفاوت این دولت ها رویکردهای متفاوتی را در مواجهه با مسائل منطقه ایجاد کرده است. بعضاً گروهی ناراضی در یک کشور، از نظر یک دولت، گروهی آزادی خواه نامیده می شود و از نظر دولتی دیگر یک گروه تروریستی (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲). این وضعیت باعث تعارض منافع دولت های منطقه در مبارزه با تروریسم می شود و مسیر هم گرایی را با چالش مواجه می سازد.

### ۴-۲. اقتصاد مشابه و غیر مکمل و فقدان چشم انداز مشترک اقتصادی

کشورهای حوزه خلیج فارس کم و بیش دارای دولت رانتیر و اقتصاد متکی بر درآمد حاصل از فروش نفت یا گاز هستند. اقتصاد تک محصولی، دو مشکل اساسی برای کشورهای منطقه در راستای هم گرایی اقتصادی دارد؛ از یک طرف درآمدهای ملی این کشورها به شدت به بازار مصرف خارجی و نوسانات ناشی از بازار انرژی وابسته است. از طرف دیگر این کشورها یکدیگر را رقیب خود در کسب و حفظ بازارهای مصرف انرژی در نظر می گیرند و سیاست های صادراتی خود را علیه یکدیگر تنظیم می کنند. برای نمونه در سال های اخیر جمهوری اسلامی ایران همواره طرفدار سیاست کاهش تولید و افزایش قیمت نفت بوده و عربستان سعودی بیشتر خواهان افزایش تولید و کاهش قیمت نفت بوده است. نکته دیگر این که یکی از مهم ترین مسائل در هم گرایی اقتصادی این است که اقتصاد کشورهای مورد نظر باید مکمل باشد تا این کشورها در مسیر هم گرایی بتوانند از مزایای همکاری اقتصادی بهره مند شوند؛ به گونه ای که بیشتر محصولات این کشورها در بازار درون منطقه، امکان فروش داشته باشند. در شرایط فعلی، این کشورها نمی توانند در مسائل مربوط به انرژی، بازار مصرف مهمی برای دیگر کشورهای منطقه باشند. مسئله دیگر این که، وابستگی به بازار مصرف خارج از منطقه باعث می شود تا نیازهای اقتصادی این کشورها به خصوص محصولات صنعتی و انواع



تکنولوژی‌ها و سرمایه‌های لازم برای توسعه صنایع انرژی محور از طرف کشورهای توسعه‌یافته غربی یا ژاپن و چین و غیره تأمین شود. در نتیجه، مبادلات ناچیز درون منطقه‌ای و عدم وابستگی اقتصادی متقابل بین این کشورها، موجب کم‌اهمیت شدن دغدغه همگرایی اقتصادی در ذهن رهبران حاکم در منطقه می‌شود. متأثر از این مسائل رهبران حاکم در کشورهای حوزه خلیج فارس، چشم‌انداز مشترکی در ارتباط با توسعه اقتصادی منطقه و اهمیت منطقه‌گرایی در عصر جهانی‌شدن ندارند (نمودار ۱).



نمودار ۱. حجم تجارت درون منطقه‌ای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (درصد از کل تجارت)

## ۲-۵. رویکرد امنیتی در سیاست خارجی

برخی از دولت‌های منطقه خلیج فارس تحت تأثیر عواملی مانند ایدئولوژی حاکم در این کشورها، وجود بحران‌های داخلی و منطقه‌ای، دخالت قدرت‌های خارجی در سیاست خارجی رویکرد امنیتی و ایدئولوژیکی در پیش گرفته‌اند؛ به عبارتی رفاه ناشی از نفت، وجود دولت رانتیر، درگیری‌های منطقه‌ای و مداخلات خارجی، از عواملی هستند که موجب شده است تا سیاست خارجی کشورهای منطقه خلیج فارس بیشتر به سمت رویکرد امنیتی-ایدئولوژیکی سوق یابد (Elbadawi & Makdisi, 2011, p. 314). برای نمونه، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در طول دهه‌های گذشته به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی در ایران، درگیر اختلافات و تنش‌های جدی امنیتی و ایدئولوژیکی، باهدف دستیابی به رهبری منطقه‌ای هستند. رویکرد امنیتی و ایدئولوژیکی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیشتر متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی، اصول قانون اساسی،

افکار رهبران این کشور و همچنین تنش های ثابت با آمریکا و اسرائیل است. از طرفی دیگر، رویکرد امنیتی و ایدئولوژیکی سیاست خارجی عربستان سعودی نیز متأثر از افکار خاندان آل سعود و پایگاه اجتماعی و مذهبی آنان، مقابله باسیاست های منطقه ای جمهوری اسلامی ایران است. سیاست خارجی برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، مانند امارات متحده عربی، کویت، بحرین و عمان بعضاً از رویکرد سیاست خارجی عربستان تأثیر می پذیرد. در این میان کشورهای چون عمان و قطر معمولاً در دهه های گذشته سیاست خارجی عمل گرایانه ای در پیش گرفته اند و سعی کردند با رویکرد چندجانبه گرایی با بازیگران مختلفی در درون منطقه و خارج از منطقه همکاری داشته باشند. سیاست خارجی عراق نیز با توجه به وضعیت ناامنی در این کشور متأثر از نیازهای امنیتی داخلی آن و نفوذ قدرت های فرامنطقه ای به خصوص آمریکا است. در کل قواعد بازی سیاسی در منطقه خلیج فارس تحت تأثیر متغیرهای مختلف داخلی و خارجی «حاصل جمع صفر» است. این در حالی است که هم گرایی اقتصادی در منطقه در صورتی قابل تحقق است که رویکرد سیاست خارجی این کشورها «حاصل جمع مثبت» باشد و بیشتر از مؤلفه های اقتصادی و توسعه محور تأثیر پذیرد تا متغیرهای امنیتی و ایدئولوژیکی.

## ۲-۶. مسئله هسته ای ایران

مسئله هسته ای سال هاست که سیاست خارجی ایران را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. در طول این سال ها، رهبران جمهوری اسلامی ایران تمام هم و غم خود را بر این گذاشته اند تا پرونده هسته ای ایران را حل و فصل نمایند و در این مسیر تاکتیک های مختلفی توسط دولت جمهوری اسلامی ایران به آزمون گذاشته شده است. نتیجه این که هرچند که در دوره دولت روحانی، جمهوری اسلامی ایران به توافق هسته ای با گروه ۵+۱ دست یافت و گشایش هایی نیز در سیاست خارجی این کشور و همکاری های اقتصادی آن با دنیا صورت گرفت؛ اما بعد از خروج آمریکا از توافق، مسئله هسته ای ایران به نقطه قبل از توافق بازگشت. درواقع تلاش های ایران به علت کارشکنی آمریکا موفقیت آمیز نبوده و بحران هسته ای این کشور همچنان پابرجاست. مسئله هسته ای ایران در روابط منطقه ای ایران در حوزه خلیج فارس نیز به شدت تأثیر گذاشته است و موجب افزایش نگرانی های کشورهای منطقه به خصوص عربستان و امارات شده است. در حال حاضر این کشورها با نگرانی مسئله هسته ای ایران را دنبال می کنند و مخالف هرگونه توافق آمریکا با ایران در این مورد هستند. آن ها به نیت ایران در برنامه هسته ای



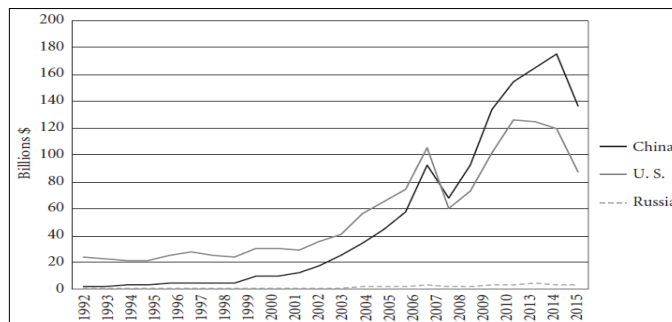
غیرنظامی‌اش چندان اعتمادی ندارند و بر این باورند که برنامه هسته‌ای ایران باید با نظارت آژانس انرژی اتمی، در چهارچوب صلح‌آمیز باقی بماند (Abuelghanam, 2018, p. 12). رهبران عربستان سعودی به‌زعم خودشان نگران این هستند که با دستیابی جمهوری اسلامی ایران به تکنولوژی ساخت سلاح هسته‌ای، نفوذ و مداخلات این کشور در منطقه نیز به‌شدت گسترش خواهد یافت و این مسئله موجب تغییر موازنه قوا در منطقه و تهدید بیش‌ازپیش امنیت ملی عربستان خواهد شد. بنابراین باید گفت که مسئله هسته‌ای ایران هنوز یکی از چالش‌های اساسی هم‌گرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شود.

## ۲-۷. دخالت قدرت‌های خارجی و مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس

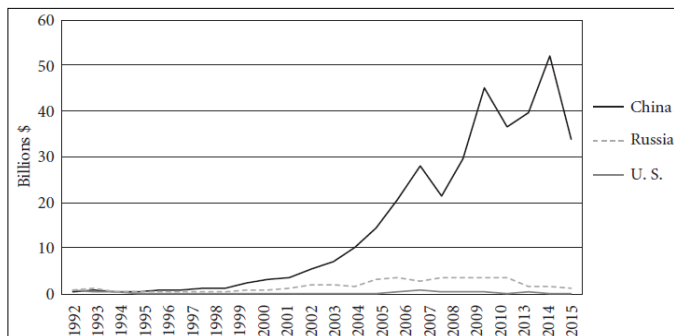
دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه خلیج فارس، مسئله تازه‌ای نیست؛ چراکه دهه‌هاست که قدرت‌های خارجی به‌خاطر اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس و همچنین ذخایر نفت و گاز آن، چشم طمع به این منطقه داشته‌اند. بعد از خروج انگلیس از خلیج فارس، با توجه به تحولاتی مانند حمله شوروی به افغانستان و وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سقوط محمدرضاشاه، آمریکا به‌خاطر نگرانی از تهدیدات علیه منافع و امنیت ملی خود، حضور خود در منطقه را با ایجاد سازوکارهایی (مانند شورای همکاری خلیج فارس) به‌تدریج گسترش داد. همکاری نزدیک کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با آمریکا موجب شد ایران برای ایجاد موازنه در این منطقه به روسیه و چین نزدیک شود. اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه و چین نیز در سال‌های اخیر به‌تدریج نفوذ خود را در این منطقه گسترش داده‌اند. نگاه اتحادیه اروپا به این منطقه هم اقتصادی و هم امنیتی است تا ضمن حفظ جریان صادرات نفت به اروپا، از جنگ‌ها و بحران‌های داخلی در این منطقه جلوگیری کرده و همچنین تبعات ناامنی ازجمله مسئله مهاجرت از خاورمیانه به اروپا و تروریسم را کنترل کند. نگاه ژاپن و چین به منطقه خلیج فارس نیز بیشتر اقتصادی و تأمین امنیت انرژی بوده است؛ هرچند که به نظر می‌رسد چین در بلندمدت نگاه استراتژیکی و امنیتی نیز به خلیج فارس دارد و دنبال گسترش نفوذ در این منطقه و خاورمیانه است. «نیازهای انرژی چین با تقاضای تکنولوژی و کالاهای تولیدی کشورهای حوزه خلیج فارس ترکیب شده است و این مسئله باعث شده این منطقه جزو اولویت‌های اصلی سیاست خارجی چین بشود» (Ziegler, 2006, p. 9). در مورد روسیه هم باید گفت که این کشور در سال‌های اخیر با

رویکرد استراتژیکی به دنبال جای پای محکمی در خاورمیانه و خلیج فارس باهدف بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود در مقابل آمریکا است (نمودار ۲ و ۳).

در مواجهه با مسئله دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را عامل ناامنی در منطقه در نظر گرفته و هدف این دولت را ایجاد تفرقه در جهان اسلام، غارت منابع این کشورها و حمایت از اسرائیل در مقابل جهان اسلام معرفی کرده است. درحالی‌که کشورهای عربی خلیج فارس، دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌خصوص آمریکا را در منطقه به‌عنوان اهرم موازنه‌ساز در مقابله بانفوذ منطقه‌ای ایران در نظر گرفته‌اند. رویکردهای متضاد ایران با دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس درخصوص مسئله دخالت قدرت‌های خارجی در این منطقه، به‌عنوان یکی از موانع جدی هم‌گرایی منطقه‌ای در خلیج فارس به حساب می‌آید و تا زمانی که این کشورها به دیدگاه مشترکی در این خصوص دست نیافتند؛ دخالت قدرت‌های خارجی مانع ثبات در منطقه خواهد شد. سوءظن و بی‌اعتمادی بین کشورهای منطقه خلیج فارس باعث شده تا قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌خصوص آمریکا و روسیه از این فرصت برای فروش تسلیحات گوناگون به این منطقه استفاده کنند. قراردادهای کلان فروش سلاح به کشورهای این منطقه توسط آمریکا تنها به یک بهانه انجام شده و آن وجود تصویری از تهدید جمهوری اسلامی ایران برای امنیت حکام کشورهای منطقه است. بدون در نظر گرفتن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدید جدی، فروش این حجم از سلاح به کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس، نه توجیه اقتصادی دارد و نه توجیه سیاسی و امنیتی. این مسابقه تسلیحاتی خود باعث رقابت، ناامنی، بی‌اعتمادی و مانع جدی درروند هم‌گرایی در منطقه شده است. در نمودارهای زیر میزان نفوذ سه کشور آمریکا، چین و روسیه در حوزه خلیج فارس مشخص شده است.



نمودار ۲. تجارت آمریکا، چین و روسیه با دولت‌های خلیج فارس



نمودار ۳. تجارت روسیه، چین و آمریکا با ایران

### ۳. ظرفیت‌ها و زمینه‌های همگرایی اقتصادی در خلیج فارس

در کنار چالش‌هایی که برای همگرایی در منطقه خلیج فارس ذکر شد؛ پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی نیز در این راستا وجود دارد. در این بخش به بررسی مهم‌ترین این ظرفیت‌ها می‌پردازیم. توجه به ظرفیت‌های منطقه‌ای به تدریج زمینه همکاری بلندمدت بازیگران این منطقه را فراهم خواهد کرد؛ رویکردی که هم‌سو با منافع و امنیت ملی همه کشورهای منطقه است.

#### ۳-۱. دین رسمی مشترک

دین اسلام به عنوان یک ظرفیت مهم در مسیر همگرایی در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شود. هرچند که بهره‌برداری از این عامل مهم همگرایان، نیازمند توجه به برخی شروط دیگر از جمله پرهیز از مؤلفه‌های تفرقه‌انگیز مذهبی و تأکید بر مؤلفه‌های وحدت‌آفرین دین اسلام است. چیزی که در طول دهه‌های گذشته باعث اختلاف شدید ایران و عربستان سعودی شده، رویکرد ایدئولوژیک هر دو کشور در سیاست خارجی منبعت از مبانی مذهب شیعه و سنی بوده است. در حالی که تصمیم‌گیران هر دو کشور می‌توانند در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی به دین اسلام، به عنوان عامل هم‌بستگی و هم‌گرایی دولت‌های اسلامی بنگرند. از دید نگارنده مؤلفه‌های همگرایان دین اسلام به مراتب قوی‌تر از برخی جنبه‌های واگرایان مذاهب اسلامی است؛ اما مشکل این است که مقامات این دولت‌ها بیشتر بر اصول و ارزش‌های مذهبی خود تأکید دارند تا اشتراکات دینی بین دولت‌های اسلامی. نتیجه این مسئله، بازتولید منازعات فرقه‌ای و مذهبی در سطح داخلی و منطقه‌ای است؛ منازعاتی که زمینه ظهور و فعالیت گروه‌های تروریستی را نیز در منطقه فراهم کرده است.

## ۲-۳. موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خلیج فارس

موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خلیج فارس به گونه‌ای است که فرصت‌ها و تهدیدات مشترکی را پیش روی کشورهای حوزه این منطقه قرار می‌دهد. خلیج فارس مهم‌ترین محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و بخشی از یک سامانه ارتباطی را تشکیل می‌دهد که دو دریای مدیترانه و سرخ و دو اقیانوس هند و اطلس را به هم متصل می‌کند. همچنین تنگه هرمز یکی از گذرگاه‌های استراتژیک جهان به شمار می‌آید که خلیج فارس را از راه دریای عمان، اقیانوس هند و خطوط کشتیرانی بین‌المللی به دریای آزاد پیوند می‌دهد. روزانه بیش از چهل درصد نفت مصرفی جهان از این تنگه عبور می‌کند. این آبراه نقش بسیار حساسی در توازن اقتصادی، مالی و تجاری همه کشورهای صنعتی و کشورهای ساحلی منطقه ایفا می‌کند و هر رخدادی که سلامت و امنیت دریانوردی را در این ناحیه تهدید نماید؛ به همان نسبت منافع این کشورها را در معرض خطر قرار خواهد داد (متقی، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۲). در حوزه خلیج فارس عوامل ژئوپلیتیکی با عوامل اقتصادی درهم تنیده هستند؛ و برخی از مهم‌ترین مزیت‌های این منطقه عبارت است از: منابع نفتی فراوان، هزینه تولید پایین، کیفیت بالای نفت خام خلیج فارس، توان تولید زیاد چاه‌های نفت و سهولت حمل‌ونقل. از دید این پژوهش، اولویت دادن به رویکرد اقتصادی و همگرایان در سیاست خارجی کشورهای منطقه (به جای رویکرد امنیتی) تنها راهی است که باعث خواهد شد ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خلیج فارس در خدمت توسعه همه کشورهای این منطقه قرار گیرد.

## ۳-۳. سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات نفت؛ نقطه مشترک همکاری

وجود بیشترین ذخایر نفت جهان در خلیج فارس ثروت زیادی را برای توسعه کشورهای این منطقه فراهم آورده است. براساس برآوردها حدود ۶۴ درصد کل ذخایر شناخته‌شده نفت جهان در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد (جدول ۲ و نمودار ۴). کشورهای حاشیه خلیج فارس در حال حاضر در سایه اختلافات درون منطقه‌ای، دخالت قدرت‌های خارجی و فقدان استقلال در تصمیم‌گیری، هنوز نتوانسته‌اند از ظرفیت مشترک انرژی نفت استفاده کنند. درحالی‌که این کشورها به‌جای رقابت با یکدیگر در زمینه تولید و فروش نفت، می‌توانند با اقدامات مشترک در زمینه تولید، سرمایه‌گذاری و صادرات و بازاریابی نفت به‌طور متحد عمل کنند و قدرت چانه‌زنی خود را در برابر کشورهای مصرف‌کننده بالا ببرند؛ چنین رویکردی به نفع همه این

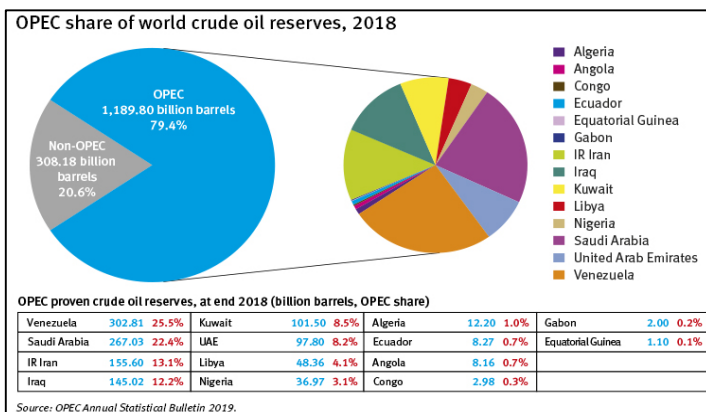


کشورها خواهد بود. بنابراین نفت خلیج فارس نه تنها تهدیدی برای امنیت این کشورها نیست؛ بلکه یک زمینه بسیار مناسب و نقطه مشترک همکاری و تضمین امنیت و سرمایه‌گذاری در این حوزه و نهایتاً کنترل نوسانات قیمت‌ها و کسب درآمد مطمئن است.

جدول ۲. میزان ذخایر نفت کشورهای منطقه خلیج فارس (میلیون بشکه)

| ردیف | کشور              | ذخایر   | رتبه در جهان |
|------|-------------------|---------|--------------|
| ۱    | عربستان           | ۲۹۷,۷۰۰ | ۲            |
| ۲    | ایران             | ۲۱۱,۶۰۰ | ۳            |
| ۳    | عراق              | ۱۴۲,۵۰۳ | ۵            |
| ۴    | امارات متحده عربی | ۱۰۵,۸۰۰ | ۶            |
| ۵    | کویت              | ۱۰۱,۵۰۰ | ۷            |
| ۶    | قطر               | ۲۵,۲۴۴  | ۱۴           |
| ۷    | عمان              | ۵,۳۷۳   | ۲۳           |
| ۸    | بحرین             | ۶۷      | ۶۷           |

(US. Energy Information Administration, ۲۰۱۸)



نمودار ۴. سهم اوپک از ذخایر جهانی نفت خام، ۲۰۱۸

### ۳-۴. سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه انرژی گاز

امروزه انرژی گاز در عرصه نظام بین‌الملل اهمیت روزافزونی یافته است. به‌زعم رابرت برایس، گاز طبیعی انرژی برتر در قرن بیست‌ویکم است (banks, 2007, p. 2). از نظر

اهمیت، این انرژی قابل مقایسه با اهمیت نفت در قرن بیستم است. بیش از ۴۲ درصد منابع انرژی گاز جهان در خلیج فارس است. این مسئله به عنوان یکی از پتانسیل‌های توسعه‌ای برای کشورهای این منطقه و همچنین یکی از اهرم‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی این کشورها به حساب می‌آید. از آنجایی که همکاری درخصوص صادرات و واردات گاز طبیعی بیشتر از طریق خط لوله و انعقاد قراردادهای بلندمدت انجام می‌شود؛ می‌تواند به عنوان یک متغیر مؤثر، در روند هم‌گرایی کشورهای حوزه خلیج فارس عمل کند. نکته دیگر این که برخلاف منابع نفت که در همه کشورهای حوزه خلیج فارس ذخایر قابل توجهی وجود دارد؛ بیشترین ذخایر گاز منطقه، متعلق به ایران و قطر است و بقیه کشورها ذخایر گاز قابل توجهی ندارند (جدول ۳). بر این اساس کشورهای منطقه خود بازار بسیار مناسبی برای نقل و انتقال انرژی گاز محسوب می‌شوند. کشوری مثل عربستان و دیگر کشورهای منطقه در مسیر توسعه اقتصادی و صنعتی خود در آینده نیاز مبرمی به گاز ایران و قطر خواهند داشت. از نظر نزدیکی جغرافیایی و نیاز کم‌تر به منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری نیز، خرید گاز از ایران و قطر به نفع همه کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و حتی ترکیه، اروپا و آسیای جنوب شرقی از جمله هند، چین، پاکستان و کره جنوبی است.

جدول ۳. ذخایر گاز در کشورهای منطقه خلیج فارس (میلیارد مترمکعب)

| ردیف | کشور              | ذخایر  | رتبه در جهان |
|------|-------------------|--------|--------------|
| ۱    | ایران             | ۳۳,۷۲۱ | ۱            |
| ۲    | قطر               | ۲۴,۰۷۲ | ۲            |
| ۳    | عربستان           | ۹,۲۰۰  | ۵            |
| ۴    | امارات متحده عربی | ۶,۰۹۱  | ۷            |
| ۵    | عراق              | ۳,۸۲۰  | ۱۲           |
| ۶    | کویت              | ۱,۷۸۴  | ۲۰           |
| ۷    | عمان              | ۶۵۱    | ۲۹           |
| ۸    | بحرین             | ۹۲,۰   | ۵۳           |

### ۳-۵. همکاری‌های مشترک دریایی، علمی - تحقیقاتی و زیست‌محیطی

یکی از ظرفیت‌های مهم برای هم‌گرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس مربوط به همکاری‌های دریایی، علمی-تحقیقاتی و زیست‌محیطی است. این مسئله دربرگیرنده موضوعات متنوعی برای همکاری متقابل از جمله مسئله امنیت کشتی‌رانی، صنعت



تولید و ساخت کشتی، نظارت بر کشتی‌رانی، صیادی، گردشگری دریایی، مبارزه با قاچاق کالا و مواد مخدر است. امروزه دیگر هیچ‌یک از هشت کشور حاشیه خلیج فارس به‌تنهایی نمی‌توانند در مورد مسائل ذکرشده، بدون در نظر گرفتن منافع دیگر همسایگان فعالیت کنند. در گذشته این دولت‌ها در مواردی مثل فعالیت‌های دریایی و ساخت جزایر مصنوعی بدون هماهنگی با دیگر دولت‌های منطقه دست به اقداماتی زده‌اند که پیامدهای ناگواری برای محیط‌زیست شکننده حوزه خلیج فارس داشته است. بسیاری از موضوعات فوق در صورت عدم همکاری منطقه‌ای، می‌تواند تهدیدی علیه امنیت این کشورها باشد و در صورت همکاری می‌تواند تبدیل به فرصتی مناسب برای توسعه این کشورها شود. مقابله با قاچاق مواد مخدر و کالا و یا حفاظت از محیط‌زیست، فعالیت‌هایی نیستند که یک یا دو کشور بتوانند از عهده آن برآیند. برای نمونه مسئله گردوغبار و یا بحران کمبود آب آشامیدنی در کشورهای حوزه خلیج فارس، مسائلی هستند که تنها با همکاری همه کشورهای منطقه حل‌وفصل می‌شود. در موضوع گردوغبار، عربستان بیشترین تولیدکننده گردوغبار در منطقه است؛ و اردن، سوریه و عراق منابع دیگری از تولید گردوغبار هستند؛ این در حالی است که پیامدهای این مسئله همه کشورهای منطقه، به‌ویژه ایران را متأثر می‌سازد.

### ۳-۶. نزدیکی جغرافیایی و ظرفیت بازار جهان اسلام

یکی دیگر از زمینه‌های همکاری کشورهای منطقه خلیج فارس، نزدیکی جغرافیایی و وجود ظرفیت بالا برای ایجاد بازار مشترک جهان اسلام است. دولت‌های منطقه به‌خصوص ایران و عربستان با تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی خود از رویکرد امنیتی به رویکرد توسعه‌محور، می‌توانند با همکاری متقابل طرحی را برای تشکیل بازار مشترک جهان اسلام اجرا کنند. این بازار می‌تواند در ابتدا در بین کشورهای منطقه خلیج فارس تشکیل گردد و به تدریج به همه کشورهای خاورمیانه و همچنین ترکیه و برخی کشورهای آسیای مرکزی، آسیای شرقی و جنوب شرقی گسترش پیدا کند و زمینه همگرایی اقتصادی منطقه‌ای را فراهم آورد. مجاورت جغرافیایی کشورهای منطقه، تأثیر بسیار زیادی بر همکاری و سرمایه‌گذاری این کشورها در زمینه‌های تجارت درون منطقه‌ای، گردشگری، توسعه بندرها، همکاری‌های صنعتی انرژی محور، سرمایه‌گذاری‌های فنی و مهندسی، محصولات کشاورزی و پروژه‌های زیرساختی مانند: حمل‌ونقل جاده‌ای، هوایی، دریایی، ریلی و زمینی و غیره خواهد داشت. نکته دیگر این‌که به علت مشابهت فرهنگی، جمعیت قابل‌توجه جهان اسلام، علایق و ذائقه مشابه مردم منطقه و نزدیکی جغرافیایی، امکان

راهندازی تولید و خدمات و سرمایه گذاری در بازار مشترک جهان اسلام نسبت به تجارت با سایر مناطق بسیار مقرون به صرفه است.

#### ۴. الزامات و راهکارهای هم گرایی اقتصادی در خلیج فارس

علاوه بر چالش ها و موانع و همچنین ظرفیت ها و پتانسیل ها، هم گرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس، مستلزم رعایت الزاماتی توسط کشورهای این منطقه است. درواقع رسیدن به هم گرایی اقتصادی و صلح، امنیت و توسعه پایدار در منطقه نیازمند اصلاحات داخلی در این کشورها و تغییر جهت گیری سیاست خارجی آن ها از رویکردهای امنیتی-ایدئولوژیکی به رویکرد اقتصادی و همکاری جویانه است. هم گرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس در صورتی قابل تحقق است که کشورهای منطقه از همه ابزارهای همگراساز (نه صرفاً اقتصادی) استفاده کنند و الزامات رفتاری آن را در سطح ملی و منطقه ای رعایت نمایند. در این بخش به برخی از مهم ترین این مؤلفه ها می پردازیم.

##### ۴-۱. اعتمادسازی متقابل سیاسی-امنیتی

اعتمادسازی سیاسی-امنیتی جزو اولین پیش شرط های هم گرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس است. ریشه بسیاری از تنش ها و اختلافات فعلی در بین کشورهای این منطقه به خصوص بین ایران و عربستان، در سوءظن و بی اعتمادی انباشته شده است. این بی اعتمادی فقط در روابط ایران و عربستان نیست؛ بلکه دولت های کوچک عربی حوزه خلیج فارس در روابط خود با عربستان نیز دارای حس بی اعتمادی به این دولت هستند. این دولت ها همیشه در مورد نیت عربستان برای وحدت در قالب شورای همکاری خلیج فارس نگرانی های جدی داشته اند. در راستای هم گرایی منطقه ای، مقامات این دولت ها با اتخاذ تدابیری می توانند به تدریج فضای بی اعتمادی فعلی را به اعتمادسازی متقابل تغییر دهند. این فرایند اعتمادسازی می تواند از برخی اقداماتی مانند: «کاهش مانورهای نظامی مستقل و مشترک با قدرت های فرامنطقه ای، به جای آن برگزاری مانورهای مشترک درون منطقه ای، شفاف سازی بودجه و خریدهای نظامی، خودداری از امضای پیمان های نظامی با قدرت های فرامنطقه ای، ایجاد خطوط ارتباطی مستقیم برای شرایط اضطراری حتی در بحرانی ترین شرایط» شروع شود (قدیر نصیری، ۱۳۷۷: ۹۵-۹۴). همچنین یکی از حوزه های مهمی که این کشورها باید درخصوص آن به اعتمادسازی بپردازند؛ عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و مسئله امنیت حاکمان این کشورهاست. «امنیت حکومتی مهم ترین موضوعی است که حاکمان عرب کشورهای



حوزه خلیج‌فارس به آن می‌اندیشند» (امامی، ۱۳۸۵: ۳۳۶). به‌خاطر دغدغه تأمین امنیت رهبران حاکم، این دولت‌ها تن به ائتلاف با قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌دهند. بنابراین ایجاد مکانیسم‌هایی برای همکاری با هدف اعتمادسازی بین این کشورها به‌خصوص در مسائل امنیتی ضروری است. شروع این فرایند اعتمادسازی می‌تواند با امضای پیمان امنیتی جامع، حُسن هم‌جواری و عدم تجاوز بین همه دولت‌های این منطقه باشد. این پیمان امنیتی باید موجب شروع گام‌به‌گام همکاری‌های امنیتی باهدف عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، باثبات‌سازی محیط خلیج‌فارس، همچنین کاهش رقابت‌های تسلیحاتی، پرهیز از خریدهای کلان تسلیحات نظامی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای و امضای موافقت‌نامه کنترل تسلیحات هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی شود. همچنین، حل‌وفصل اختلافات ایران و عربستان در مسائل یمن، بحرین، سوریه و عراق در مسیر اعتمادسازی منطقه‌ای بسیار مفید و مؤثر خواهد بود.

#### ۴-۲. رسیدن به تعریف مشترک از تروریسم

در ادبیات علمی تعاریف گوناگونی از مفهوم تروریسم وجود دارد. فرهنگ آکسفورد تروریسم را تلاش برای ضربه زدن به افراد خاص و یا ایجاد ارباب و وحشت دانسته است. در تعریفی دیگر، فرهنگ هریج آمریکایی تروریسم را کاربرد قوا به‌صورت غیرقانونی و خطرآفرین و خشونت‌بار می‌داند که از سوی یک فرد و یا یک گروه سازمان‌یافته علیه مردم و یا اماکن به‌قصد ایجاد ارباب و یا اجبار دولت‌ها و یا شرکت‌ها صورت می‌گیرد و عمدتاً دارای اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی است. در اسناد سازمان ملل متحد در ماده پنج کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی مصوب ۱۹۹۸، فعالیت‌های تروریستی را اقدامات جنایی به‌قصد ایجاد وحشت در عموم مردم و یا گروه خاص می‌داند و اعلام می‌کند این دسته اعمال تحت هیچ شرایطی حتی ملاحظات سیاسی، قومی، مذهبی، فلسفی، ایدئولوژیکی و یا موارد مشابه قابل توجیه نیست (ایمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

در قطعه‌نامه مجمع عمومی شماره ۵۴/۱۱۰ مصوب ۲ فوریه ۲۰۰۰ در پاراگراف دوم، تروریسم به‌عنوان اقدامات جنایی که به‌قصد ایجاد وحشت در عموم مردم و یا گروه خاصی از آن‌ها با اغراض سیاسی صورت می‌گیرد، تعریف شده است (Koehler, 2002). براساس این تعاریف باید گفت که تروریسم یک پدیده سیاسی و همراه با خشونت یا تهدید به خشونت است که در رساندن منظور خود به طرف‌های مقابل (که عمدتاً دولت‌ها هستند) به‌دلیل شرایط حاکم از راه‌هایی غیر از ترور، ازجمله گفت‌وگو و مذاکره درمانده

است و به نظر خودش به منظور حفظ بقا خود به آخرین راه حل، یعنی ترور دست زده است (ایمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

در راستای مقابله مشترک با تروریسم و تهدیدات آن علیه امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس، یکی از اساسی ترین اقدام ها رسیدن به تعریف مشترک از تروریسم است. بدون درک درست و مشترک از مفهوم تروریسم، مبارزه با آن آمیخته با رقابت های این کشورها علیه یکدیگر خواهد شد. امروزه برخی از کشورهای منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم به مقابله با گروه های اقلیت در کشور خود و در برخی از همسایگان می پردازند و همچنین باهدف ضربه زدن به کشور رقیب، به پشتیبانی از گروه های مخالف در آن کشور دست می زنند. در چنین وضعیتی پدیده تروریسم به طرز مخرب و خطرناکی با جنبش های مردمی و گروه هایی که به صورت مسالمت آمیز دنبال مطالبات خود هستند؛ درهم آمیخته شده است و تکثر فرهنگی و فکری در این کشورها در سایه نبود مشارکت سیاسی مورد تهدید قرار گرفته است. نتیجه حضور گروه های تروریستی در منطقه این است که فرایند توسعه این کشورها را عقب می اندازد و فاصله آن ها از دنیای توسعه یافته بیشتر و بیشتر می شود. اختلافات بین کشورهای منطقه، مداخله در امور داخلی یکدیگر، بنیادگرایی، نبود فرهنگ تساهل و مدارا، عدم توسعه سیاسی و اجتماعی، عدم ارتباطات اقتصادی گسترده درون منطقه ای، دخالت های قدرت های خارجی و غیره از عوامل مهم رشد پدیده تروریسم در منطقه خاورمیانه محسوب می شود. همکاری کشورهای منطقه خلیج فارس با برخی دیگر از کشورهای هم جوار از جمله پاکستان، افغانستان، ترکیه و مصر در رسیدن به درک مشترک از تروریسم و راه کارهای مقابله با آن بسیار مؤثر خواهد بود.

#### ۴-۳. اتخاذ رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی

یک از الزامات رفتاری مهمی که در مسیر هم گرایی اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس وجود دارد؛ در پیشی گرفتن رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی به جای رویکرد امنیتی و ایدئولوژیک است. کشورهای منطقه باید باهدف کسب و حفظ منافع ملی و تضمین امنیت ملی خود در بلندمدت رویکرد اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی و روش های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات را در پیش بگیرند. در این راستا، لازم است رهبران کشورهای منطقه به این درک برسند که منافع ملی و امنیت آن ها در گرو همکاری و توسعه اقتصادی است نه اقدامات تخریبی متقابل. بنابراین، ضرورت دارد که قواعد بازی حاصل جمع مثبت جایگزین قواعد بازی حاصل جمع صفر گردد. در این



مسیر، تغییر رویکرد دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی باهدف اولویت دادن به رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی، عبور از تعارضات ایدئولوژیک، پرهیز از اختلافات شیعی-سنی و اقدامات تفرقه‌افکن بسیار تأثیرگذار خواهد بود. از نظر تاریخی نیز این تمایل در بین رهبران دو کشور در دوره‌هایی وجود داشته است. «در سال ۱۹۶۹ با ابتکار عربستان سعودی، تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی کلید خورد» (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۳۶۰). بنابراین، اتخاذ رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی و ایجاد سازوکارهای همکاری جویانه بین کشورهای منطقه در حوزه‌های تجاری، مالی، بانکی، سرمایه‌گذاری، حمل‌ونقل و گردشگری باعث تداوم همکاری‌ها و کاهش تنش‌ها در میان مدت خواهد شد.

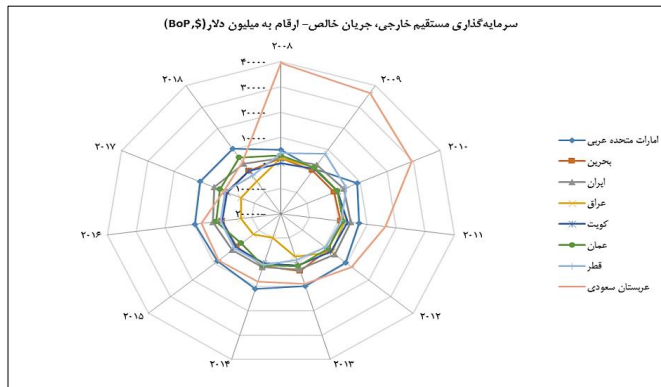
#### ۴-۴. ایجاد بازار مشترک منطقه‌ای

یکی از دلایل اصلی بروز و تداوم تنش‌های سیاسی در منطقه خلیج فارس، حجم بسیار پایین تجارت درون منطقه‌ای است. تجارت کشورهای منطقه عمدتاً به دولت‌های خارج از منطقه وابسته است (Nuruzzaman, 2012, p. 11). با توجه به وجود ظرفیت گسترده‌ای منطقه‌ای در خلیج فارس و مناطق هم‌جوار، راه‌اندازی بازار مشترک اسلامی یکی از الزامات هم‌گرایی اقتصادی در منطقه است. راه‌اندازی بازار مشترک منطقه‌ای نیاز به اقداماتی دارد که رهبران کشورهای منطقه باید مورد توجه قرار دهند. از جمله این اقدامات عبارت است از: ایجاد منطقه آزاد تجاری در حوزه خلیج فارس، حذف موانع گمرکی درون منطقه‌ای، تسهیل مقررات مربوط به مسافرت و کسب و کارها، تسهیل مقررات سرمایه‌گذاری در حوزه خلیج فارس، وضع تعرفه گمرکی مشترک برای واردات از کشورهای خارج از منطقه، راه‌اندازی طرح‌های مشترک توسعه، در پیشی گرفتن سیاست مشترک در صادرات نفت و گاز، اتصال شبکه‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای و تقویت آن، تسهیل فرایند نقل‌وانتقال پول و همکاری‌های بانکی. با انجام این اقدامات، کشورهای منطقه می‌توانند ظرفیت‌های موجود در زمینه راه‌اندازی بازار مشترک را فعال نمایند. با توجه به نزدیکی جغرافیایی کشورهای حوزه خلیج فارس، هزینه حمل‌ونقل و قیمت کالا بین این کشورها به‌خصوص در تجارت مواد غذایی فاسدشدنی، بسیار پایین خواهد بود. چراکه در کوتاه‌ترین زمان و با کم‌ترین هزینه، کالا از منطقه تولید شده به دست مصرف‌کننده می‌رسد. البته باید در نظر گرفت که یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های ایجاد بازار مشترک در این منطقه، کاهش خصومت بین ایران با

ایالات متحده و رفع تحریم‌های بین‌المللی این کشور است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

#### ۴-۵. همکاری‌های بانکی و سرمایه‌گذاری مشترک

یکی از الزامات هم‌گرایی اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس، ایجاد مکانیسم‌هایی درخصوص راه‌اندازی همکاری‌های گسترده بانکی و سرمایه‌گذاری مشترک است. این دولت‌ها لازم است جریان نقل‌وانتقال پول و سرمایه در حوزه درون منطقه‌ای را تسهیل کنند تا شهروندان هشت کشور بتوانند آزادانه به مسافرت، کار و تجارت در حوزه منطقه بپردازند. زمینه‌های گوناگونی جهت سرمایه‌گذاری مشترک ازجمله بخش نفت، گاز، گردشگری، همکاری‌های علمی و آزمایشگاهی و غیره در منطقه وجود دارد که شروع این همکاری‌ها نیازمند عزم رهبران این کشورها است. مانع اصلی همکاری‌های بانکی و سرمایه‌گذاری مشترک در محدوده خلیج فارس، عدم اعتماد و وجود سوءظن بین رهبران این دولت‌ها در طول سال‌های گذشته بوده است. متأثر از این وضعیت، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز در این منطقه (به‌جز در عربستان و امارات متحده عربی) بسیار پایین و حتی در مواردی منفی بوده است (نمودار ۵). نکته حائز اهمیت این است که گسترش همکاری‌های بانکی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت درون منطقه‌ای، هزینه واگرایی را در منطقه بیشتر می‌کند.



نمودار ۵. میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸



#### ۴-۶. همکاری‌های دیپلماتیک در حوزه انرژی

با توجه به دغدغه رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس در تأمین امنیت ملی و توسعه اقتصادی، همکاری‌های دیپلماتیک در حوزه انرژی یک ضرورت است. با بی‌ثباتی بازار انرژی فرایند توسعه در منطقه خلیج فارس با مشکلات جدی مواجه خواهد بود. یکی از ابزارهایی که این کشورها می‌توانند با ائتلاف با یکدیگر در مسیر توسعه و تأمین امنیت ملی خود از آن بهره‌برداری کنند؛ دیپلماسی انرژی است. کشورهای منطقه خلیج فارس در صورتی قدرت چانه‌زنی بالایی در بازار جهانی انرژی خواهند داشت که در روابط درون منطقه‌ای (در قالب سازمان اوپک) رویکرد مشترکی در قبال کشورهای واردکننده نفت اتخاذ کنند. همچنین با در پیشی گرفتن دیپلماسی انرژی، این کشورها می‌توانند در تعامل با مصرف‌کنندگان عمده انرژی، تکنولوژی نفت و گاز خود را در راستای کاهش مصرف انرژی در منطقه و صادرات فراورده‌های انرژی به‌جای صادرات نفت خام توسعه دهند. کشورهای حوزه خلیج فارس همچنین می‌توانند با کشورهای مانند ژاپن، چین، هند و سایر قدرت‌های نوظهوری مثل کره جنوبی، مالزی، ترکیه و غیره که بیشترین خریداران نفت خلیج فارس هستند؛ برای تجارت انرژی و فراورده‌های آن به همکاری پایدار بپردازند؛ اهمیت این مسئله از آنجاست که قدرت‌های نوظهور آسیایی در مسیر توسعه روزافزون خود نیاز فزاینده‌ای به انرژی خلیج فارس خواهند داشت.

#### ۴-۷. اصلاحات اقتصادی داخلی

امنیت دولت‌های سازمان همکاری خلیج فارس همواره تحت تأثیر تحولات ناشی از قیمت نفت، جمعیت در حال رشد و تنش‌های منطقه‌ای فزاینده قرار گرفته است؛ به‌خصوص حوزه انرژی به‌خاطر تأثیری که هم بر تولید و هم بر توزیع رانت دارد؛ نقش مسلطی در اقتصاد سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس بازی می‌کند (Tsai, 2018, p. 7). توزیع رانت نفتی تبعات جدی بر سیاست و اقتصاد این کشورها داشته است. چنین وضعیتی محدودیت‌هایی را در روند توسعه کشورهای منطقه به وجود می‌آورد. اصلاحات اقتصادی داخلی در راستای تنوع بخشیدن به تولیدات اقتصادی مبتنی بر پتانسیل‌ها و مزیت‌های هر یک از کشورهای منطقه و عبور تدریجی از دولت رانتیر و واگذاری امور به بخش خصوصی از دیگر الزاماتی است که در مسیر هم‌گرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس، پرداختن به آن ضروری است. بدون برخورداری از اقتصاد متکی به بخش خصوصی، شفافیت، تسهیل فرایند راه‌اندازی کسب‌وکارها، جذب تکنولوژی و سرمایه خارجی، ریشه‌کنی فساد و رانت دولتی، حرکت در مسیر اقتصاد دانش‌بنیان،

سامانه بانکی و مالی الکترونیکی و متصل به خدمات مالی جهانی، هماهنگی سیاست‌های صنعتی به‌ویژه در تولیدات مبتنی بر نفت، اقتصاد کشورهای منطقه با موانع جدی در مسیر توسعه و هم‌گرایی منطقه‌ای مواجه خواهد شد. با رعایت این الزامات رفتاری و ساختاری، به‌تدریج تولیدات اقتصادی کشورهای منطقه متنوع خواهد شد و مسیر راه‌اندازی و تأسیس اتحادیه‌های گمرکی، بازار مشترک اقتصادی، مناطق آزاد تجاری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک بیش‌ازپیش هموارتر خواهد شد. «درواقع اصلاحات داخلی شرط لازم و ضروری برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و ایجاد اشتغال در هر کشور و به دست آوردن رشد مکمل متأثر از هم‌گرایی اقتصادی فزاینده هم در منطقه و در سطح بین‌المللی است» (Fardoust, 2016, p. 35).

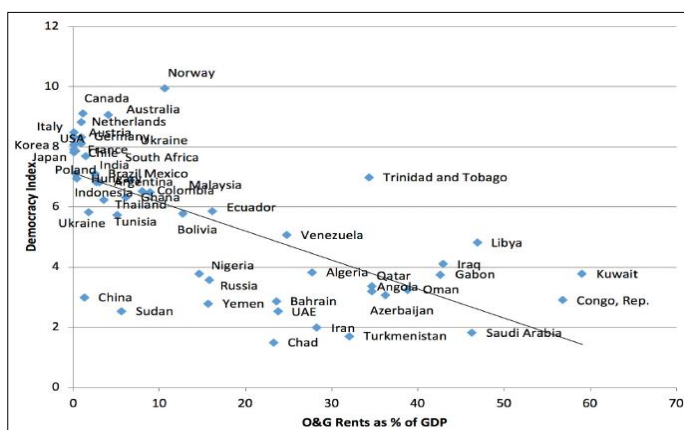
#### ۴-۸. اصلاحات سیاسی و اجتماعی داخلی

یکی دیگر از الزاماتی رفتاری در راستای هم‌گرایی اقتصادی کشورهای منطقه، عزم جدی رهبران برای انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی در کشورشان است. مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی در این کشورها وجود دارد که شاید در ظاهر ارتباط چندانی با پیشبرد صلح، امنیت و توسعه در خلیج فارس ندارد؛ اما درواقع این مؤلفه‌ها به‌طورجدی در تحولات منطقه و آینده پیش روی آن تأثیرگذار است؛ مسائلی مانند حقوق بشر و انواع آزادی‌ها، مسائل مربوط به زنان، آموزش، مشارکت مردم در عرصه سیاسی و اجتماعی، فقر گسترده و شکاف طبقاتی (در برخی از این کشورها)، بی‌عدالتی، تبعیض‌های گوناگون، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و مسائل مهاجران از متغیرهایی هستند که رهبران دولت‌های منطقه در دهه‌های گذشته به علت برخورداری از منابع نفتی گسترده و وجود دولت رانتیر، توجه چندانی به حل‌وفصل آن‌ها نداشته‌اند و درنتیجه، این مسائل منشأ بسیاری از بحران‌ها و ناامنی‌های منطقه خلیج فارس و خاورمیانه شده است.

درواقع وابستگی به منابع نفت و یا گاز و شکل‌گیری دولت رانتیر، موجب تعمیق توسعه‌نیافتگی سیاسی و اجتماعی در این منطقه شده و به اقتدارگرایی در این کشورها دامن زده است (نمودار ۶). اصلاحات اساسی سیاسی و اجتماعی (در کنار اصلاحات اقتصادی) در کشورهای حوزه خلیج فارس موجب حل‌وفصل مسائلی خواهد شد که منشأ پیدایش تنش‌ها و منازعات فرقه‌ای و مذهبی و همچنین پدیده تروریسم است. با انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی، ترویج و نهادینه کردن فرهنگ تساهل و مدارا و تقویت نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی، حمایت از ایجاد و تقویت احزاب و



تشکل‌های مردمی و تضمین آزادی آن‌ها، زمینه لازم برای توسعه و صلح در داخل این کشورها فراهم خواهد شد؛ زمانی که صلح در درون این کشورها بین مقامات و نمایندگان گروه‌ها و تشکل‌های مختلف منتقد حکومت برقرار شد و قواعد بازی صلح‌آمیزی بین گروه‌های متکثر باهدف دستیابی به قدرت و فعالیت‌های سیاسی شکل گرفت؛ زمینه برای ایجاد صلحی فراگیرتر در منطقه نیز به تدریج فراهم خواهد شد. «در سال‌های گذشته درگیری‌های خشونت‌آمیز در خاورمیانه اثرات مخربی به عملکرد اقتصادی کشورهای منطقه داشته است» (Fardoust, 2016, p. 16). حل‌وفصل این مسائل به توسعه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای کمک خواهد کرد و نهایتاً به هم‌گرایی اقتصادی منجر خواهد شد.



نمودار ۶. نرخ صادرات نفت و گاز (درصد از GDP) در برابر شاخص دموکراسی

#### ۹-۴. کاهش خصومت در روابط ایران و آمریکا

یکی از اصلی‌ترین دلایل تنش‌ها و اختلافات موجود در خلیج فارس، مداخله آمریکا در این منطقه است. حضور نظامی گسترده آمریکا در این منطقه و وابستگی دولت‌های عربی خلیج فارس به این کشور و به تبع آن همکاری‌های گسترده سیاسی-امنیتی، تجاری و تسلیحاتی بین آن‌ها موجب شده، تا رهبران منطقه استقلال تصمیم‌گیری درخصوص مسائل منطقه‌ای را نداشته باشند. از طرفی دیگر روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا بعد از انقلاب اسلامی همواره خصمانه بوده است. موضع جمهوری اسلامی ایران این بوده که دخالت آمریکا در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و حضور نظامی در این منطقه و فروش تسلیحات، عامل اصلی تنش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای است. در چنین شرایطی موضع آمریکا در مسئله هم‌گرایی اقتصادی در

خلیج فارس بسیار مهم خواهد بود. بنابراین یکی از الزامات رفتاری این است که، علاوه بر این که رهبران کشورهای عربی باید از خرید گسترده تسلیحات از آمریکا بکاهند و از بهبود روابط آمریکا با ایران حمایت کنند؛ جمهوری اسلامی ایران نیز باید ضمن تنش‌زدایی با آمریکا درخصوص مسائل مختلف منطقه‌ای و تعدیل تعارضات ایدئولوژیک-امنیتی بین دو کشور به اختلافات سیاسی-اقتصادی قابل‌مذاکره، منافع کشورهای منطقه را نیز در این مسیر مورد توجه قرار دهد. در صورت کاهش خصومت بین ایران و آمریکا و عدم تعارض آن با منافع کشورهای منطقه، دیگر آمریکا مانع هم‌گرایی کشورهای حوزه خلیج فارس نخواهد بود. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران و عربستان نیز باید اختلافات خود را در یمن، بحرین، سوریه و عراق حل‌وفصل کنند. از طرفی، نخبگان بسیاری در کشورهای حاشیه خلیج فارس بر این باورند که صرف همکاری نزدیک با آمریکا لزوماً منافع آن‌ها را در منطقه تأمین نخواهد کرد؛ بلکه این همکاری و هم‌گرایی درون منطقه‌ای است که در بلندمدت، ثبات پایداری برای منطقه به ارمغان خواهد آورد. به لحاظ تجربه تاریخی هم می‌توان گفت که «در مسائل منطقه‌ای، عربستان سعودی کاملاً از خط‌مشی واشینگتن، خصوصاً در مسائل اعراب و اسرائیل پیروی نکرده است. ارتباط با آمریکا گاهی در تعارض با منافع امنیتی عربستان در سطح منطقه‌ای بوده است» (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۳۵۶).

## ۵. ارائه مدل هم‌گرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس

درخصوص هم‌گرایی در منطقه خلیج فارس در پژوهش‌های مختلف راهکارهای گوناگونی پیشنهاد شده است و در این باره صاحب‌نظران به موضوعات متفاوتی اولویت می‌دهند. بعضی از آن‌ها بر اولویت اشتراکات دینی و فرهنگی تأکید دارند و برخی بر اولویت موضوعات سیاسی و امنیتی و عده‌ای دیگر نیز اقتصاد را عرصه‌ای می‌دانند که باید همکاری و هم‌گرایی منطقه‌ای از آن شروع شود. رویکرد این مقاله متفاوت از این دیدگاه‌ها است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۵-۱. مدل‌های هم‌گرایی سلسله‌مراتبی (براساس پیشنهادهای محققان)

مدل‌های پیشنهادی صاحب‌نظرانی را که در زمینه هم‌گرایی منطقه کار کرده‌اند؛ برحسب اولویتی که به موضوعات همکاری قائل هستند؛ می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد. مدل اول، بر این باور هستند که هم‌گرایی در منطقه خلیج فارس زمانی اتفاق می‌افتد که کشورهای منطقه از ظرفیت‌ها و اشتراکات دینی و فرهنگی



خود در این مسیر بهره ببرند و همکاری‌های دینی و فرهنگی در صورت تداوم به هم‌گرایی در حوزه امنیتی، سیاسی و نهایتاً اقتصادی تسری خواهد یافت. مدل دیگر، رویکردی است که ابتدا بر همکاری‌های سیاسی و سپس حوزه امنیتی تأکید می‌کند و بر این باور است که این نوع همکاری‌ها باعث اعتمادسازی بین کشورهای منطقه خواهد شد و در ادامه زمینه همکاری در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی را فراهم خواهد آورد. در مقابل این رویکردها، مدل سوم مربوط به صاحب‌نظرانی است که مسائل اقتصادی را شروعی برای هم‌گرایی اقتصادی در منطقه در نظر می‌گیرند. طرفداران این رویکرد، با استفاده از نظریات کارکردگرایی و نو کارکردگرایی، شکل‌گیری اتحادیه اروپا را به‌عنوان نمونه موفق از هم‌گرایی منطقه‌ای مطرح می‌کنند و بر این باورند که همکاری‌های اقتصادی به تدریج به دیگر عرصه‌ها از جمله موضوعات سیاسی، امنیتی و فرهنگی نیز سرایت خواهد کرد (نمودار ۷).



نمودار ۷. مدل‌های هم‌گرایی در منطقه خلیج فارس (براساس پیشنهادهای محققان)

## ۵-۲. مدل هم‌گرایی شبکه‌ای (پیشنهاد این پژوهش)

پیشنهاد این پژوهش ارائه مدلی جامع برای هم‌گرایی اقتصادی باهدف دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار در منطقه خلیج فارس است؛ که در آن ضمن رد نگاه سلسله‌مراتبی در اولویت‌بندی موضوعات، به کارگیری هم‌زمان و در ارتباط با هم مؤلفه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دینی-فرهنگی در دستیابی به هم‌گرایی اقتصادی مورد تأکید است (نمودار ۸). بدین معنی که کشورهای منطقه

به جای شروع مذاکرات و گفت‌وگوها از یک حوزه کلان مثل عرصه سیاسی یا اقتصادی، باید براساس نیازها و اقتضائات منطقه خلیج فارس از مهم‌ترین موضوعات همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، زیست‌محیطی، فرهنگی و دینی در مسیر همکاری‌های منطقه‌ای بهره ببرند. چراکه در هر کدام از عرصه‌های کلان برخی مواردی است که نیاز به همکاری کوتاه‌مدت و فوری دارد و برخی نیز نیاز به فرایند بلندمدتی دارد که بعد از اعتمادسازی موفقیت‌آمیز بین این کشورها، امکان پرداختن به آن مسائل وجود دارد. برای مثال نگارنده بر این باور است که حوزه کلان امنیت را نمی‌توان نسبت به حوزه کلانی مثل اقتصاد و یا فرهنگ از اولویت خارج کرد؛ چراکه برخی از شاخصه‌های همکاری در حوزه امنیتی، مانند تروریسم، قاچاق کالا و مبارزه با مواد مخدر و یا امنیت کشتیرانی، موضوعاتی نیستند که بتوان آن را به سال‌های آینده موکول کرد؛ چراکه این متغیرها در هم‌گرایی اقتصادی منطقه تأثیر جدی دارند. از طرف دیگر در حوزه مسائل امنیتی برخی شاخصه‌ها مثل امضای پیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و منع خریدهای کلان تسلیحاتی، مسائلی هستند که در کوتاه‌مدت امکان طرح ندارند؛ بلکه باید همکاری‌های گوناگونی در موضوعات اقتصادی و سیاسی شکل بگیرد تا این کشورها اعتماد لازم به یکدیگر برای پرداختن به موضوع امضای پیمانی برای منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و منع خریدهای کلان تسلیحاتی را به دست آورند. یا مثالی دیگر این‌که، در مورد مسائل زیست‌محیطی نمی‌توان به صورت کلی آن را موضوع کوتاه‌مدت و یا بلندمدت برای همکاری منطقه‌ای مطرح کرد. چراکه برخی مسائل زیست‌محیطی مثل مسئله گردوغبار، موضوعی فوری و کوتاه‌مدت برای همکاری است؛ اما مسائلی چون مقابله با آلودگی‌های دریایی و نظارت بر فعالیت عمرانی و صنعتی کشورهای منطقه در سواحل خلیج فارس موضوعی میان‌مدت و بلندمدت است. این وضعیت در دیگر موضوعات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز صادق است. بر این اساس نگارنده بر این باور است که طیفی از موضوعات متنوعی در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، علمی و زیست‌محیطی وجود دارد که از نظر این‌که چگونه و چه زمانی می‌تواند ظرفیتی برای همکاری و هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای باشد، به سه دسته موضوعات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌شوند (جدول ۴).



نمودار ۸. مدل شبکه‌ای همگرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس

جدول ۴. الزامات فرایند همگرایی اقتصادی در منطقه خلیج فارس (در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)

| فرایند همگرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| عرصه‌ها                                  | الزامات کوتاه‌مدت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                | الزامات میان‌مدت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | الزامات بلندمدت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
| حوزه اقتصادی                             | همکاری بانکی و مالی، کاهش تعرفه‌های تجاری درون منطقه‌ای، همکاری در زمینه ترانزیت دریایی و هوایی، تأسیس بانک توسعه و سرمایه‌گذاری خلیج فارس، همکاری در رونق صنعت توریسم، برگزاری نشست‌هایی بین وزرای اقتصاد و بازرگانی کشورهای منطقه با هدف گسترش همکاری‌های اقتصادی، جلسات منظم وزرای نفت با هدف هماهنگی و انسجام بیشتر در مجموعه‌ی اوپک، هماهنگی فعالیت‌ها در زمینه‌ی میدان‌های | اصلاحات اقتصادی داخلی، حذف تدریجی تعرفه‌ها در سطح درون منطقه‌ای، دیپلماسی انرژی مشترک، سرمایه‌گذاری در رونق صنعت توریسم در منطقه، گسترش تجارت آزاد درون منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌های نفت، گاز و صنایع پتروشیمی، همکاری در راه‌اندازی بندرها مشترک، تأسیس بانک سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت در سطح خاورمیانه و جهان اسلام، همکاری در زمینه کشتیرانی و ترانزیت دریایی و هوایی، تشکیل کمیسیون‌های همکاری در | توسعه مناطق آزاد تجاری منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری مالی و فنی مشترک در مگا پروژه‌های مربوط به بخش انرژی خلیج فارس، دیپلماسی اقتصادی و انرژی مشترک در عرصه جهانی، توسعه بازار مشترک به همه کشورهای خاورمیانه و برخی کشورهای آسیایی، رویکرد هم‌سو در صادرات و قیمت‌گذاری انرژی نفت و گاز، توسعه شبکه‌های قوی از وابستگی متقابل شامل تجارت، توریسم، توسعه بندرها، حمل‌ونقل و ترانزیت هوایی و صنایع پتروشیمی. |

| فرایند هم‌گرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|-------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|                                           | مشترک نفت و گاز.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | سرمایه‌گذاری و استخراج نفت و گاز از حوزه‌های مشترک.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
| حوزه سیاسی و سیاست خارجی                  | اصلاحات سیاسی داخلی، پذیرش تکتک قومی و فرهنگی در داخل، پرهیز از منازعات قومی و فرقه‌ای، احترام گذاشتن به ارزش‌ها و آرمان‌های ملی و دینی یکدیگر، اتخاذ رویکرد اقتصادی و مسالمت‌جویانه در سیاست خارجی، توجه به رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، تقویت همکاری‌های دیپلماتیک در خصوص حل اختلافات سیاسی مشترک منطقه‌ای، افزایش دیدارها بین مقامات و سران باهدف تبادل نظر در خصوص مسائل منطقه‌ای، تقویت همکاری‌های پارلمانی، تشکیل نشست‌های منظم بین وزرای خارجه کشورهای منطقه | توسعه سیاسی و تقویت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، توجه به حقوق بشر و انواع آزادی‌ها، جذب اقلیت‌های قومی و مذهبی در حکومت و برآورده کردن مطالبات آن‌ها، پیاده‌سازی دموکراسی و مردم‌سالاری، تلاش برای ایجاد سازکارهای سیاسی همکاری‌جویانه، رویکرد هم‌سو در تعامل با قدرت‌های خارجی و در خصوص مسائل حوزه خلیج فارس، توجه به بازی حاصل جمع مثبت در سیاست خارجی، ایجاد مکانیسم‌های مشترک سیاسی (شوراها و کمیسیون‌ها) برای پیشبرد اهداف همگرایانه، کمک به بهبود روابط ایران با آمریکا باهدف تأمین امنیت و ثبات در منطقه‌ی خلیج فارس | توسعه‌ی سیاسی و گردش نخبگان در داخل، حرکت به سمت نظام حزبی و مبتنی بر انتخابات، توجه به ارزش‌های جهان‌شمول حقوق بشر و پیاده‌سازی آن، راه‌اندازی نهادهای مشوق و تثبیت‌کننده هم‌گرایی، اصلاحات در شورای همکاری خلیج فارس و تقویت آن با عضویت همه ۸ کشور ساحلی، نهادینه کردن تکتک‌گرایی فرهنگی و سیاسی در داخل و در منطقه، اعطای برخی از اختیارات در حوزه سیاسی مشترک به شورای همکاری خلیج فارس |
| حوزه امنیتی                               | همکاری در زمینه‌ی امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و دریای عمان، برگزاری نشست‌های دوره‌ای مشترک وزرای دفاع و اطلاعات و فرماندهان ارشد کشورهای منطقه باهدف افزایش همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی، تعریف واحد از تروریسم و رویکرد واحد در مبارزه با آن، مقابله با قاچاق کالا و مواد مخدر در حوزه خلیج فارس،                                                                                                                                                                            | حل اختلافات با گروه‌های مخالف داخلی و مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های ملی، برآورده کردن مطالبات قومی و مذهبی اقلیت‌های مخالف حاکمیت، مبارزه هم‌سو و هماهنگ با گروه‌های تروریستی و تشکیل نیروی ویژه مبارزه با تروریسم در سطح منطقه، همکاری در تأمین امنیت کشتیرانی و ترانزیت انرژی نفت و گاز، امضای پیمان عدم تجاوز و دوستی و حسن نیت در                                                                                                                                                                                   | همکاری‌های امنیتی و نظامی باهدف تأمین امنیت منطقه خلیج فارس و مناطق پیرامونی آن، پیمان کنترل تسلیحات کشتار جمعی در حوزه خلیج فارس، تشکیل نیروی نظامی مشترک برای مقابله با تهدیدات علیه منافع کشورهای منطقه در خلیج فارس و دریای عمان، ریشه‌کنی عوامل و شبکه‌های شکل‌گیری تروریسم در منطقه، تلاش برای امضای توافق‌نامه کنترل تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه، کمک به تشکیل دولت مستقل         |



| فرایند همگرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس                                                                                                                                                                                                                                                                                              |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |                                                                                                                                                                                                                                                       |                  |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------|
| حمایت از حقوق مردم فلسطین، مذاکره و حل اختلافات در زمینه‌ی مسائل یمن، بحرین، سوریه و عراق                                                                                                                                                                                                                                             | سطح منطقه‌ای، اتخاذ رویکرد واحد در مسیر فرایند صلح خاورمیانه و تشکیل دولت مستقل فلسطین                                                                                                                                                                                                                                                                          | فلسطین                                                                                                                                                                                                                                                |                  |
| همکاری‌های دینی و فرهنگی از جمله در زمینه‌ی گردشگری مذهبی، راه‌اندازی و تقویت نهادهایی برای گفت‌وگوی مذاهب اسلامی، احترام به تنوعات عقیدهای و مذهبی و مقابله با اقدامات تفرقه‌افکنانه فرقه‌ای و مذهبی در سطح منطقه                                                                                                                    | همکاری باهدف بهره‌مندی از ظرفیت فرهنگی اسلام در مسیر همکاری‌های کشورهای اسلامی، نهادینه کردن فرهنگ تسامح و مدارا، کمک به سازمان کنفرانس اسلامی باهدف حل منازعات فرقه‌ای و مذهبی و به رسمیت شناختن اقلیت‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ای و ایجاد مکانیسم‌هایی برای گفت‌وگو و تعامل آن‌ها                                                                               | اتحاد برای هم‌بستگی دولت‌های جهان اسلام در موضع‌گیری در قبال مسائل و چالش‌های جهانی، تلاش برای هم‌گرایی هرچه بیشتر جهان اسلام در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی باهدف کمک به صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی                                              | حوزه فرهنگی-دینی |
| تشکیل کمیسیونی برای برگزاری نشست‌های دوره‌ای باهدف تبادل نظر در زمینه‌ی مسائل زیست‌محیطی منطقه، مقابله با پدیده گردوغبار، همکاری در زمینه‌ی مدیریت کمبود آب و تولید آب شیرین از دریا، مقابله با آلودگی دریایی ناشی از کشتی‌ها، همکاری در زمینه‌ی جلوگیری از آلودگی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و عمرانی کشورهای منطقه در سواحل خلیج فارس | هماهنگ‌سازی اقدامات در مدیریت و تأمین و انتقال آب شیرین، هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها در بخش صنایع نفتی باهدف کاهش عوارض زیست‌محیطی آن، هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها در زمینه‌ی مقابله با انواع آلاینده‌ها در سواحل کشورهای منطقه، حفظ، احیا و تقویت محیط‌زیست منطقه در دریا و خشکی باهدف مقابله با پیامدهای تخریب محیط‌زیست، همکاری در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک | مقابله با بحران کم‌آبی در منطقه و تلاش برای ایجاد سازمانی برای پیگیری مسائل مربوط به آب در سطح منطقه‌ای، ایجاد سازکارهای سیاسی و راه‌اندازی نهادی برای پیگیری مسائل زیست‌محیطی منطقه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مشترک باهدف حفظ و احیا محیط‌زیست منطقه | حوزه زیست‌محیطی  |
| همکاری دانشگاهی و آزمایشگاهی در حوزه‌های مختلف، تبادل استاد و دانشجو در بین کشورهای منطقه، برگزاری همایش‌های علمی و تحقیقاتی مشترک                                                                                                                                                                                                    | پروژه‌های علمی و تحقیقاتی مشترک درخصوص حل چالش‌های اساسی منطقه خلیج فارس، همکاری علمی در زمینه‌ی دانش انرژی هسته‌ای و خورشیدی و راه‌اندازی پروژه‌های مشترک                                                                                                                                                                                                      | توسعه‌ی فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی در زمینه‌های صنعت نفت، گاز، دریا، همکاری‌های علمی و تحقیقاتی درخصوص صنعت کشتی‌سازی، همکاری علمی در زمینه‌ی فعالیت‌های مربوط به بستر دریا                                                                           | حوزه علمی        |

نتیجه‌گیری

هم‌گرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس زمانی امکان تحقق دارد که رهبران سیاسی دولت‌های منطقه، علاوه بر غلبه بر موانع و چالش‌ها، بتوانند از ظرفیت‌ها و امکانات ملی، منطقه‌ای و جهانی در این خصوص بهره ببرند و الزاماتی را در راستای رسیدن به هم‌گرایی منطقه‌ای به کار بگیرند. از دید نگارنده، بدون توجه به این چالش، ظرفیت‌ها و به‌خصوص الزامات، امیدی به تحقق هم‌گرایی اقتصادی در این منطقه نخواهد بود و همچنان شاهد جنگ‌ها و ناامنی‌ها، مسابقه تسلیحاتی و خریدهای کلان تسلیحات و دخالت قدرت‌های خارجی در این منطقه خواهیم بود. راه رسیدن به صلح، امنیت و توسعه پایدار در حوزه خلیج فارس در هم‌گرایی اقتصادی است؛ رسیدن به هم‌گرایی اقتصادی نیز نیازمند تلاش و عزم جدی رهبران سیاسی منطقه در مدیریت و رفع چالش‌ها و موانع هم‌گرایی، فعال کردن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های همگرایانه و همچنین رعایت الزامات آن است. براساس تجربه تاریخی، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس دهه‌هاست که در تلاش‌اند تا به هم‌گرایی منطقه‌ای دست یابند؛ اما از آنجایی که این شورا از اساس شکل‌گیری رویکرد یک‌سویه در پیش گرفته و به منافع ملی ایران و عراق بی‌توجه بوده، چندان موفق نبوده است؛ ضمن این که در دهه‌های گذشته، کشورهای کوچک عضو شورا نیز به سیاست‌های عربستان همواره با بدبینی نگریسته‌اند. راه هم‌گرایی در منطقه خلیج فارس در همکاری و مشارکت هشت کشور ساحلی خلیج فارس است؛ نه در جبهه‌گیری‌های منطقه‌ای با پشتیبانی قدرت‌های فرامنطقه‌ای. رقابت خصمانه ایران و عربستان در منطقه ره به جایی نخواهد بود و نتیجه این خصومت، ناامنی هرچه بیشتر در منطقه، افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و عقب‌ماندگی کشورهای این منطقه از مدار توسعه نسبت به رقیبان خود در اقتصاد جهانی خواهد بود.

عواملی که منجر به هم‌گرایی اقتصادی در خلیج فارس می‌شود؛ لزوماً دلایل اقتصادی ندارد؛ بلکه می‌تواند در کنار متغیرهای اقتصادی، دلایل سیاسی، امنیتی و فرهنگی-اجتماعی هم داشته باشد. هم‌گرایی به‌صورت تدریجی امکان شکل‌گیری دارد. تجربه PGCC نشان‌دهنده این است که حتی اگر قدرت‌های بزرگ هم پشت نهادهای تأسیس شده قرار بگیرند؛ اگر منافع همه کشورهای منطقه در آن‌ها لحاظ نشده باشد؛ این نهادها موفق نخواهند شد. در سال‌های اخیر شاهد این بودیم که علی‌رغم حمایت ایالات متحده از PGCC، در دل این شورا، بحران قطر رخ داد که موجب افول جایگاه شورا شد یا این که کشور ایران با جمعیت قابل توجه و موقعیتی که به‌تنهایی دربرگیرنده کل سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان است و به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در



منطقه، در این شورا کاملاً نادیده گرفته شده است. واضح است که چنین روندهایی به صلح و توسعه در خلیج فارس منجر نخواهد شد. بر این اساس باید گفت که همکاری دو بازیگر بزرگ منطقه (ایران و عربستان) با مشارکت شش کشور دیگر ضروری است. با توجه به این که کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال‌های اخیر باهدف توسعه صنعتی، علمی، تکنولوژیکی، تقویت بخش خصوصی و کاهش تکیه خود بر درآمدهای نفتی، به اصلاحات اقتصادی دست زده‌اند؛ زمینه برای توجه بیشتر به همکاری و هم‌گرایی اقتصادی در منطقه، بیشتر فراهم شده است. هرچه سهم بخش غیرنفتی در اقتصاد این کشورها افزایش پیدا کند، امید به هم‌گرایی اقتصادی بیشتر خواهد شد. مشارکت ایران و کشورهای عربی منطقه در روند همکاری‌های اقتصادی و آزادسازی تجاری و در پیشی‌گرفتن سیاست‌های تجاری ترجیحی، موجب تقویت امید به هم‌گرایی اقتصادی در منطقه خواهد شد. در این زمینه رهبران سیاسی کشورهای منطقه باید ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و رویکرد اقتصادی را بر رویکردهای امنیتی و ایدئولوژیکی اولویت دهند؛ و برپایه نیازهای مردم و منافع ملی کشورهای منطقه و تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ایجاد چهارچوبی برای همکاری منطقه‌ای در همه موضوعات مشترک بپردازند. در نهایت باید گفت که هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای پیش‌شرط توسعه اقتصادی کشورهای منطقه و ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی است.

## فهرست منابع

- افراسیاب پور، حامد (۱۳۹۳). *تحلیل پویش های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس*. مجله سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۸، پاییز ۱۳۹۳
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ اسماعیلی، محدثه (۱۳۹۷). *چالش ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه*. فصل نامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، شماره نود و هفت، بهار ۱۳۹۸، صص ۷۱-۱۰۵
- امامی، محمدعلی (۱۳۸۵). *عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس*. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ایمانی، همت و همکاران (۱۳۹۷). *رهیافت چندجانبه گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام*. فصل نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲۶، تابستان ۱۳۹۷
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ احمدی، حسن (۱۳۹۱). *موانع همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس از منظر ژئوپلیتیک*. فصل نامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱
- متقی، افشین؛ قره بیگی، مصیب (۱۳۹۳). *جایگاه استراتژیک خلیج فارس در سیاست خارجی چین*. پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال دوم، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳
- محمدی، حمیدرضا؛ احمدی، ابراهیم (۱۳۹۷). *تحلیل ژئوپلیتیکی گسست روابط سیاسی عربستان و قطر و تأثیر آن بر آینده شورای همکاری خلیج فارس*. فصل نامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷، صص ۲۰۶-۱۸۷
- هینه بوش، ریموند؛ احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰). *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*. (رحمن قهرمان پور و مرتضی مساح، ترجمه). تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
- نصیری مشکینی، قدیر (۱۳۷۷). *مؤلفه ها و موانع همگرایی در منطقه خلیج فارس*. خاورمیانه، صص ۹۵-۹۴



## References

- Abuelghanam, Debbie., & Tahboub, Naser (2018). Mixed Messages: Iran versus Saudi Arabia and GCC. *Contemporary Review of the Middle East* 5(4), <http://journals.sagepub.com/home/cme>.
- Banks, Ferdinand (۲۰۰۷). a long introduction to economic theory and natural gas. The University of Uppsala, Uppsala Sweden. P:20 [http://www. ambientediritto.it/dottrina/Politich](http://www.ambientediritto.it/dottrina/Politich)
- Bojarczya, Bartosz (2013). The Gulf Cooperation Council-regional integration mechanism. *Annales Faculty of Political Science, Mariae Curie- Sklodowska University, Lublin-Polonia*, Vol.xx.1, 2013
- BP Statistical Review of world Energy (2019). <https://bp.com>
- E. Ziegler, Charles (2006). The Energy Factor in China's Foreign Policy. *Journal of Chinese Political Science*, vol. 11, no. 1, Spring 2006
- Fardoust, Shahrokh (2016). Economic Integration in the Middle East (Prospects for Development and Stability). Washington, D.C. The Middle East Institute. Regional Cooperation Series
- GROW, JOHANNES (2019). Economic (In) security and Economic Integration in the Middle East. *E-International Relations*, <https://www.e-ir.info/2019/05/15/economic-insecurity-and-economic-integration-in-the-middle-east>, MAY-15-2019
- Elbadawi, Ibrahim., & Makdisi, Samir (2011). *Democracy in the Arab World: Explaining the deficit*, First published 2011 by Routledge
- International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism U.N. New York. September 14, 2005
- Martini Jeffrey., Wasser, Becca., Dassa Kaye, Dalia, Daniel., & Egel, Cordaye Ogletree (2016). The Outlook for Arab Gulf Cooperation. RAND Corporation, [www.rand.org/t/RR1429](http://www.rand.org/t/RR1429)
- Krane, Jim (2019). Subsidy reform and tax increases in the rentier Middle East, The politics of rentier states in the Persian Gulf. *The Project on Middle East Political Science (POMEPS), STUDIES* 33, pp. 18-24, January 2019
- Koechler, H (2002). The United Nations, the International Rule of Law and Terrorism Fourteenth Centennial Lecture. Manila. [http://www.un.org/ Docs/ sc/ Committees/1373](http://www.un.org/Docs/sc/Committees/1373)
- OPEC Annual Statistical Bulletin 2019/ [www. opec. org/opec\\_web/en/data\\_ graphs/330.htm](http://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs/330.htm)
- Metz, s., & Millen, R (2004). *Insurgency and Counterinsurgency in the 21st Century: Conceptualizing Threat and Response*. Strategic Studies Institute.
- Nuruzzaman, Mohammed (2012). Conflicts between Iran and the Gulf Arab States: An Economic Evaluation. *Strategic Analysis*, Vol. 36, No. 4, 2012
- Steve A, Yetiv., & Katerina, Oskarsson (2018). *CHAL LENGED HEGEMONY; The United States, China, and Russia in the Persian Gulf*. Stanford University Press, Stanford, California
- Tsai, I-Tsung (2018). Political economy of energy policy reforms in the gulf cooperation council: Implications of paradigm change in the rentier

- social contract. Energy Research & Social Science, <https://doi.org/10.1016/j.erss.2018.04.028>
- The Politics of Rentier States in the Gulf (2019). The Project on Middle East Political Science. <http://www.pomeps.org>, January 2019
  - U.S. Energy Information Administration, International Energy Statistics (2018). crude oil including lease condensate, accessed 16 July 2018, <https://www.eia.gov>
  - U.S. Energy Information Administration, International Energy Statistics (2019). accessed 17 Jan. 2019, <https://www.eia.gov>
  - <https://ahdictionary.com>
  - <https://www.eia.gov>
  - <https://www.oed.com>
  - <http://www.tpo.ir>
  - <https://www.irica.gov.ir>
  - <https://data.worldbank.or>